

تأثیر زمان اجرا بر تعهد در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی با تأکید بر اخلاق و مصالح اجتماعی

سیاوش شربتی ناوان^۱
عباداله رستمی چلکاسری^۲
سید محمد اسدی نژاد^۳

چکیده

روابط قراردادی میان اشخاص تحت حاکمیت قوانین و شریعت و متن قرارداد و عرف است و بر اساس این منابع اختلافات طرفین حل و فصل می‌گردد. اخلاق در قراردادها از دو جنبه قابل بررسی است. اول اخلاق به عنوان یک منبع حقوقی که مورد استناد قاضی در صدور رای واقع گردد و دوم اخلاق توسط هر یک از طرفین در روابط قراردادی که باید مورد عمل قرار گیرد. اگرچه زمان اجرا از ارکان و اسباب اساسی تشکیل تعهد نیست، همانگونه که فقدان آن از موانع محسوب نمی‌گردد و تعهد با این اوصاف صحیح است، لیکن مسأله این است که حقوقدانان، مجهول، مردد، نامعلوم، مبهم ماندن زمان اجرا، حتی تفویض اختیار زمان اجرا به متعهد را به استناد بند ۲ ماده ۲۳۳ و ماده ۴۰۱ ق.م. به دلیل سرایت «جهل به عوضین» و ایجاد «غرر» باطل می‌دانند. در حالیکه، مواد فوق نه تنها با احراز قصد و تشخیص موضوع تعهد دلالت بر بطلان ندارند، بلکه در کنار سایر عوامل و ابزارهای احراز زمان اجرا، می‌توان زمان اجرای تعهد را معین کرد و انحلال تعهد را باید صرفاً محدود به عامل خارجی دانست. همانگونه که اسناد بین‌المللی مورد بحث (کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول حقوق قرارداد اروپا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و طرح چهارچوب مشترک مرجع) چنین است. پژوهش حاضر با استدلالات جدید ضمن بررسی نقش زمان در تعهد، از تأثیر فقدان آن در تعهد بحث می‌نماید و در پی اثبات این مسئله است که زمان اجرای قابل احراز از تعهد و زمان اجرای قابل احراز به کمک تفسیر نوین، آثاری همانند آثار زمان اجرای معین بر تعهد داشته باشد که در این شرایط، تعهد استوار بوده و در صورت نقض تعهد، متعهدله می‌تواند به متعهد برای هریک از طرق جبران خسارت متوسل شود، مگر عامل خارجی سنگین در حین اجرای تعهد حادث گردد که در این شرایط یا حیات تعهد خاتمه می‌یابد و یا برخلاف نظر حقوق دانان، با حسن نیت و رفتار منصفانه توجیه می‌گردد و تعهد تعدیل می‌شود.

واژگان کلیدی

تعهد، زمان اجرا، زمان معین، نقض تعهد، بطلان، انحلال، اسناد بین‌المللی، اخلاق، مصالح اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

Email: s.shn50@gmail.com

۲. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ebadolahrostami@gmail.com

۳. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: mohammad_asadinejad@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۲۵

طرح مسأله

اخلاق و کرامت در روابط قراردادی نیز همچون سایر جنبه‌های زندگی انسان حاکم است. اخلاق فراتر از قانون و شریعت است. ممکن است یک معامله یا اقدام حقوقی در قانون صحیح و در شریعت حلال ولی نزد اخلاق نکوهیده و قبیح باشد. رعایت اخلاق فقط برای بهشت رفتن نیست بلکه در همین دنیا نیز سود مادی و آثار مثبت دارد. بنز اگر بنز شد بخاطر اخلاق در روابط قراردادی با مشتریان بود.

توجه به اصول اخلاقی و تعلیمات دینی در داد و ستد و انجام برخی اقدامات یا خودداری از انجام برخی اقدامات دیگر، از گذشته‌های دور در اجتماعات مطرح بوده است. از جمله این اصول اخلاقی، تعهد در زمان اجرای قراردادهاست. موضوع مقاله، «تأثیر زمان اجرا بر تعهد در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی» است. طرفین برای انعقاد قرارداد به شرایط اساسی آن اهمیت می‌دهند، اما مشخص نمودن زمان اجرا جهت انجام تعهد و شروط آن نیز ضرورت دارد. در اکثر قراردادهای به هر دلیلی مانند فراموشی یا به عمد زمان اجرای تعهد مشخص نمی‌شود. لذا در انواع حالات زمان اجرا دو موضوع اساسی نیاز به بررسی دارد.

اول - مبهم، مردد، مجهول، نامعلوم ماندن و عدم تعیین زمان اجراء است. مسائل دیگری چون تفویض اختیار زمان اجرا به هر یک از طرفین آن است و حتی اراده متعاقدین که در این موضوع تأثیر دارد.

مبهم، مردد، نامعلوم، مجهول و مسکوت ماندن زمان اجرا در فرضی است که زمان اجرای تعهد مشخص نشده باشد و یا از قرارداد قابل احراز است که حقوقدانان آنها را هم به تاسی از برخی فقهاء و با ملاک بند ۲ ماده ۲۳۳ و ماده ۴۰۱ قانون مدنی، باطل و مبطل عقد می‌دانند. ولی نظریات مذکور درست نیست. اما در اسناد بین‌المللی اصل این است که تعهد باید اجرا شود. اما به چه نحو؟ این مهم نیاز به بررسی دارد که جزء مباحث مهم مقاله می‌باشد.

دوم - زمان اجرای تعهد معین و مشخص است، لیکن متعهد از اجرای آن استنکاف و یا قصور می‌ورزد. همچنین این مهم شامل تعذر، تعسر، زمان اجرای متقارن، تعدد و وحدت مطلوب می‌شود.

به علاوه منظور از قید زمان اجرای «تعهد بر تعهد» این است که چه زمان تعیینی و قابل احراز از تعهد و چه زمان مجهول، مبهم، مردد مغفول در یک قرارداد، به چه میزان می‌تواند یک تعهد را سست و بی‌اثر کند؟ اساساً آیا موارد فوق و مواردی از این قبیل سبب می‌شوند تعهد باطل گردد؟

با این حال در بررسی انواع حالات زمان اجرای تعهد، ضمن منفک نمودن مرحله تشکیل

تعهد از زمان اجراء، هیچ شکی نیست در تعیین زمان اجراء، بررسی اصل تعهد، اوضاع و احوال، تفسیر تعهد، عرف و... مؤثر هستند و کمک می نمایند تا زمان اجراء در هر حالت خاص خود مشخص شود و از فروپاشی تعهد جلوگیری گردد.

بی شک مقایسه اسناد بین الملل با حقوق داخلی باعث ظهور خلاءهایی اساسی در حقوق ما خواهد بود و با اصول مذکور می توان راهکارهایی ارائه و به رفع معطل کمک کرد.

۱- سؤال تحقیق و فرضیه تحقیق

زمان اجراء چه تأثیری بر تعهد دارد؟

چنانچه زمان اجراء تعهد معین شده باشد اصل بر اجراء تعهد در همان زمان است؛ مگر اینکه زمان اجراء تعیینی نامتعارف باشد. ولی اگر زمان اجراء تعهد معین نباشد، در حقوق داخلی متعهد مسئولیتی نخواهد داشت. اما در اسناد بین الملل تعهد صحیح است ولو زمان اجراء تعهد مجهول، نامعلوم و مردد باشد.

۲- آثار زمان اجراء تعهد معین

در این قسمت بررسی نکات ذیل ضروریست:

۱- از اقسام زمان اجراء تعهدات، بعضی مواقع اصل بر فوری بودن اجراء تعهد است، مانند بیع. بعضی از حقوقدانان حتی در صورت تصریح اجراء آنی تعهد، اجراء آن را در زمان عرفی لازم می دانند. (کاتوزان، ۱۳۸۷)

بویژه مواد ۲۲۴ و ۲۲۵ ق.م.ا^۱ الفاظ عقود را بر معانی عرفی محمول می داند و متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد، به منزله ذکر در عقد است. این مهم از قسمت آخر ماده ۳۴۴ ق.م.ا هم استنباط می شود. ضمن اینکه در تعیین مهلت به حاکمیت اراده طرفین احترام گذاشته خواهد شد (خزاعی، ۱۳۹۲). در اسناد بین الملل منظور از زمان معین، زمان فوری اجراء تعهد در آن لحظه نیست، بلکه اجراء تعهد در مدت معقول و متعارف است. من جمله؛ بُعد مسافت و حمل، ترخیص کالا از بندر، اشکالات مربوط به تولید و تهیه مواد اولیه در زمان اجراء تعهد تأثیرگذار است (بند ج) ماده ۳۳ ک.ب.ب.ک).

۲- گاهی زمان اجراء تعهد زمان موسع است، متعهد می بایست تعهد خود را در آن بازه زمانی یا طول دوره انجام دهد. مانند تعهد پیمانکار بر ساخت منزل مسکونی در طی مدت یکسال از

۱. ماده ۲۲۵ ق.م.ا: « متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد به منزله ذکر در عقد است.

زمان انعقاد عقد و یا زمان مشخص بعد از انعقاد عقد. اگر ابتدای مدت ذکر نشده باشد ابتدای آن از تاریخ عقد خواهد بود. مگر اینکه طرفین ابتدای مدت را زمانی بعد از انعقاد عقد در نظر گیرند (ماده ۳۴۴ ق.م.ا).

در اسناد بین المللی، بند (ب) ماده ۱-۱-۶ ا.ق.ت.ب و بند ۲ ماده ۱۰۲ - ۷ ا.ح.ق.ا، لالت بر اجرای تعهد در طول دوره یا بازه زمانی دارد. بی شک هر متعهدی در طول دوره تعهد خود را اجرا کرد و ایفا نمود وفق ماده ۲۶۴ ق.م.وفا به عهد صورت گرفته و تعهد ساقط می شود. لیکن اگر متعهد اجرای تعهد ننماید بحث ضمانت اجرای عدم انجام تعهد (نقض تعهد) مطرح می شود.

۳- زمان اجرای تعهد مؤجل که اجرای تعهد به موعدی بعد از انعقاد عقد موقوف گردیده، در هر صورت آن زمان فرا می رسد و متعهد باید در آن زمان تعهد خود را اجرا کند والا متخلف بوده و مسئول خسارات وارده بر متعهدله است. تأخیر متعهد در صورت عدم ایفای تعهد ضمان آور است. لذا در اجرای تعهد مؤجل بدو به قرارداد، سپس به عرف استناد می شود و رجوع به عرف هم به نوعی ارجاع به قرارداد است. (کاتوزیان، ۱۳۹۱)

وجود اجل و زمان برای تحویل کالا بیش از پیش احساس می شود تا علاوه بر جلوگیری از اختلاف در مدت ساخت و ساز و تحویل، از ماطله و تأخیر هم ممانعت شود. (شنیور، ۱۳۹۳)

در این خصوص می توان به بند ۱ ماده ۱۰۲-۷ ا.ح.ق.ا تصریح کرد و مقرر نموده است: « اگر زمان اجرا در قرارداد تعیین شده باشد (شرط صریح) یا براساس آن قابل تعیین باشد (شرط تلویحی) در همان زمان باید قرارداد را اجرا کند».

۲-۱- آثار زمان اجرای تعهد متقارن بر تعهد

از حالات زمان اجرا، اجرای متقارن یا اجرای همزمان تعهد است. اعمال مجموع مقررات حق حبس در حقوق ایران به « دور » منتهی می شود. برای رفع دور الزام بایع به تحویل ابتدائی مبیع یا الزام مشتری در ابتدا به تأدیه ثمن در صورت کلی فی الذمه بودن ثمن و یا اجبار توأمان هر یک از متعاقدين پیشنهاد شده است. (صفایی، ۱۳۹۲)

مطابق رأی شماره ۱۸۷ مورخ ۱۳۱۷/۱۱/۲۸ شعبه چهارم دیوان عالی کشور به هیچ وجه نمی توان خریدار یا فروشنده را به استناد حق حبس طرف مقابل محکوم به بی حقی کرد. به این صورت که صورتجلسه تحویل مبیع و ثمن را دو طرف پرونده طی تقاضایی به قاضی اجرای احکام اعلام و پس از احراز تسلیم و تسلّم پرونده بایگانی می شود.^۱

مبنای قانونی درباره حق حبس در حقوق مدنی، ماده ۳۷۷ و مبحث چهارم (در آثار بیع) و فصل

۱. ماده ۲۸ قانون مؤجر و مستأجر: « در مواردی که حکم تخلیه علیه مستأجر با پرداخت حق کسب و پیشه و یا تجارت صادر و قطعی می شود ... ».

اول آن است. اما با توجه به خلاف قاعده بودن حق حبس (کاتوزیان، ۱۳۹۲) به ویژه، حال بودن مبیع و ثمن، به نظر می رسد در صورت آماده بودن مورد معامله برای تحویل و یا فرا رسیدن زمان تحویل ثمن، هیچ یک از طرفین حق حبس ندارند. هر دو اجبار می شوند (متین، ۱۳۸۱). فلذا باید پذیرفت در حقوق ایران حق حبس در تعهدات قراردادی متقارن تثبیت می شود (خسروی و بادینی، ۱۳۹۶).

ماده ۳۴ لایحه تجارت ۱۳۹۷^۱ این حق را برای یکی از طرفین قائل شده که چنانچه با اوضاع و احوال، ظن متعارف وجود داشته باشد که طرف دیگر تعهد خود را اجرا نخواهد کرد خواستار ارائه تضمین متناسب شود و تا اجرای آن از تعهد خودش خودداری کند. ماده ۲۰۱-۹. ح. ق. ۱ و ماده ۳-۱، ۷. ب. ق. ت. ب^۲ دلالت بر همین مهم دارد و احراز می شود که گستره حق حبس از ارتباط قراردادی فراتر رفته است و زمان فسخ و اعاده آنچه را که به موجب قرارداد، تحویل یا تأدیبه نموده، شامل می شود و این مهم را در مواد ۸۵ و ۸۶ (هجده نفر از دانشمندان حقوق دانشگاه های معتبر جهان، ۱۹۸۰) کنوانسیون هم می توان ملاحظه کرد (مواد ۵۸، ۷۱، ۸۱، ۸۵ و ۸۶ ک. ب. ب. ک).

در طرح چارچوب مشترک مرجع در چهار بند (ماده ۴۰۱: ۳) در خصوص خودداری از اجرا ذکر شده است. دو بند اول مشابه دو سند فوق است. مطابق شق ۳ و ۳ ذکر شده که در صورت عملی شدن تضمین به متعهدله یا طرف اجراء، متعهدله مسئول هرگونه ضرر و زیان در صورت نقض تعهد خواهد بود.

۲-۲- آثار تعذر دائمی اجرای تعهد در حقوق تطبیقی

ممکن است در زمان اجراء حالتی پیش آید که متعهد به علت مانعی خارج از اراده اش، نتواند تعهد خود را انجام دهد. البته منظور نمودن هرگونه بدی آب و هوا را باید با ماهیت قابل پیش بینی و یا غیر قابل پیش بینی بودن آن^۴ و با مراجعه به سوابق ثبت شده در هواشناسی در دراز

۱. ماده ۳۴ لایحه تجارت ۱۳۹۷: « چنانچه قبل از اجرای تعهد، با توجه به اوضاع و احوال، ظن متعارف وجود داشته باشد که یکی از طرفین تعهدات ساسی خود را در تاریخ مقرر اجراء نخواهد کرد، طرف دیگر می تواند خواستار ارائه تضمین متناسب برای اجرای تعهد باشد و تا ارائه آن از اجرای تعهدات خویش خودداری کند...».

2. A part may similarly with hold performance for as long as it is clear that there will be a a non- performance by the other party when the other partys performance becomes due.

3. (1) A creditor who with holds performance in the situation mentioned in paragraph (2) has a duty to give notice of that fact to the debtor as soon as is reasonably practicable and is liable for any loss caused to the debtor by a breach of that duty.

4. Unforeseeable

مدت تعیین کرد والا گردباد سهمگین و بارندگی شدید ممکن است، « قوه قاهره » محسوب نشود. (هینزی، ۱۳۸۵)

شرایط برای تحقق علت خارجی؛ عدم امکان دفع آن از سوی متعهد (شهیدی، ۱۳۹۴)، طول مدت بقاء حادثه، احتمال در حکم دائمی بودن و خارجی بودن حادثه می باشد (ماده ۲۹ ق.م.رستمی، ۱۳۸۳) و منظور تغییر ناگهانی و غیر قابل محاسبه است که تعهد را از بین می برد (صادقی مقدم، ۱۳۹۰). قوای قاهره انواعی دارد:

۱- طبیعی مانند سیل، آتش سوزی، زلزله و...، ۲- غیر طبیعی حسب اقدامات بشر صورت می گیرد. از قبیل؛ جنگ، شورش، انقلاب، تغییر قوانین. هر چند به صراحت در اسناد بین المللی مورد بحث به دایمی بودن مانع اجرای تعهد اشاره نشده، اما از مفهوم مخالف بند ۱ ماده ۷-۱-۷. ق.ت.ب، بند ۲ ماده ۸-۱۰۸-۱.ح.ق.ا و بند ۳ ماده ۷۹ ک.ب.ب.ک، همچنین طرح چارچوب مشترک مرجع می توان دریافت مانع اجرای تعهد باید دایمی و یا در حکم دایمی بودن باشد (چشمی، ۱۳۹۷).

حادثه خارجی یا force majeure هم در حقوق داخلی و هم در اسناد بین الملل به یک معنی بکار رفته است؛ در ماده ۲۲۷ ق.م. صرفاً به خارجی بودن حادثه و غیر قابل انتساب به متعهد تصریح شده و در اسناد بین الملل علاوه بر دو عنصر فوق به غیر قابل پیش بینی بودن در زمان انعقاد قرارداد، غیر قابل غلبه بودن و غیر قابل دفع بودن هم تأکید گردیده است (بند اول ماده ۷-۱-۷. ق.ت.ب، بند ۱ ماده ۷۹ ک.ب.ب.ک و بند ۱ ماده ۱۰۸-۱.۸.ح.ق.ا).

قسمت آخر ماده ۳۶ لایحه تجارت جدید، مصوب ۱۳۹۷ به دو موضوع اخیر هم تأکید دارد. از این جهت نقص ماده ۲۲۷ ق.م. به تاسی از اسناد بین الملل جبران شده است. در نهایت هم در حقوق داخلی و هم در اسناد بین الملل اجرای تعهد رفع و برداشته می شود.

در قانون مدنی کشورمان، حکم مشخصی درباره وجود مانع در اجرای حکم بطور موقت وجود ندارد، اما بند ۲ ماده ۷-۱-۷. ق.ت.ب، مقرر می دارد: « در صورتی که مانع فقط موقتی باشد، عذر [قوه قاهره] با در نظر گرفتن اثر مانع مزبور بر اجرای تعهدات قراردادی، برای مدت زمانی متعارف قابل قبول خواهد بود.

در چنین حالتی علاوه بر ضمانت اجراها، با به تأخیر افتادن زمان اجرا، وقت اضافی را برای اجرا در اختیار متعهد می نهد در این صورت ممکن است بیشتر یا کمتر از زمان وقفه در اجرای تعهد باشد. (یونیدروا، ۱۳۹۳)

1. When the impediment is only temporary, the excuse shall have effect for such period as is reasonable having regard to the effect of the impediment on the performance of the contract

۲-۳- حسن نیت^۱ و معامله منصفانه^۲ مبنای اساسی بر پذیرش تعسر زمان اجرای تعهد

حسن نیت به معنای صداق و درستکاری است. (فخاری، ۱۳۸۴)
 آکسفورد حسن نیت را معادل Honesty می داند. (آکسفورد، ۱۹۹۷)، بعضی آن را مفهومی اخلاقی می دانند.

واژه fair به منصفانه، عادلانه و مطابق قاعده است (فرهنگ حقوق فارسی، ۱۳۸۳). اصطلاح fair comment به معنای اظهار نظر منصفانه و fair hearing به معنی رسیدگی عادلانه، fair consideration یعنی عوض عادلانه و در نهایت fair dealing به معنای معامله یا برداشت منصفانه به کار رفته است. به نظر می رسد تفاوت چندانی میان حسن نیت و معامله منصفانه نباشد شاید به همین خاطر است که اصطلاح «حسن نیت»، ۲۰ مرتبه در اصول حقوق قراردادهای اروپایی ذکر شده و ۱۵۰ بار آن واژه معامله منصفانه را در خود جای دارد.

همچنین در مواد متعدد اصول قراردادهای تجاری بین المللی به کرات به کار رفته است. من جمله در بند ۲ ماده ۹-۱، جزء (ب) بند ۲ ماده ۴-۲، مواد ۱۵-۲، ۱۶-۱، ۱۸-۲، ۲۰-۲، بند (۲) ماده ۴-۲، بند (۲) ماده ۵-۲، مواد ۷-۲، ۱۰-۲، ۲-۲، ۲-۳، ۳-۲، ۳-۲-۷، ۳-۲-۴، ۴-۸، ۴-۶، ۲-۵، ۳-۵، ۱۷-۶، ۲-۷، ۶-۱، ۱۰-۹ و چند ماده دیگر. (Bradyate, 2003)

حسن نیت با این انتقاد مواجه شده که حدود آن مبهم است و باعث غیر قابل پیش بینی تصمیمات قضایی شده و آینده و حیات تجاری بازرگانان را تهدید خواهد نمود (Goode, 1999). «جایی که دو طرف قرارداد شرکت هایی بزرگ و با تجربه بوده و با تلاش در جهت حفظ منافع و مصالح خود مبادرت به امضای قرارداد می کنند هیچگونه تعهد ضمنی یا صریح حسن نیت وجود ندارد» (Mcnamara, 2002).

در مقابل بعضی از حقوقدانان معقدند؛ تعهد به اجرای حسن نیت است که مبنای حقوقی بسیاری از تعهدات دیگر می شود که همان شروط ضمنی^۳ و مبنای اعمال طیف گسترده ای از تعهدات است و این مهم که اهمیت اصل حسن نیت به خاطر وارد شدن شرط ضمنی در قرارداد است که با اقبال مواجه می گردد (Forns worth, 1993). حتی وفق

1. Good faith
2. Fair dealing.
3. Implied terms

ماده ۷-۱ اصول^۱ «طرفین نمی‌توانند این تکلیف را مستثنا یا محدود کنند». یکی از معانی حسن نیت این است که؛ شخص اشتبهاً تصور می‌کرده اقدام او مطابق قانون می‌باشد، به این تصور و اشتباه، آثار حقوقی بار می‌شود تا از ذینفع در مقابل ضرری که در اجرای دقیق مقررات به او وارد می‌شود حمایت گردد (انصاری، ۱۳۹۱) (ماده ۱۰۳: ۱۱۱-۱ مورد Good faith and fair dealing).

اصطلاح «تعسر اجرای تعهد» یا Change of Circumstances در اسناد بین‌المللی احکام و آثار ویژه‌ای به خود اختصاص داده است. فایده بحث این است که اگر مبنای تعسر اجرای تعهد حسن نیت و معامله (رفتار) منصفانه باشد در نتیجه‌گیری از اصل قضیه مؤثر خواهد بود که آن اولاً- در صورت تعسر اجرای تعهد مذاکره، تعدیل و الاً فسخ تعهد انکارناپذیر است. ثانیاً- مبهم، مجهول، نامعلوم ماندن زمان اجرا تأثیری در بقاء و عدم بقاء تعهد ندارد.

۲-۴- آثار زمان اجرای وحدت و تعدد مطلوب بر تعهد

در زمان اجرای وحدت مطلوب، چنانچه متعهد در زمان معین تعهد خود را اجرا نمود، موضوع فیصله می‌یابد. مانند اینکه شخصی برای پذیرایی میمانان خود در جشن عروسی با مدیر باشگاهی نسبت به پذیرایی و نوع غذا پیمانی با شرایط استثنایی و خاص ببندد (انصاری، ۱۳۹۱). چرا که؛ اولاً- اجرای تعهد در زمان دیگر ممکن نیست و الاً قرارداد منحل می‌شود. این قسم از زمان اجرا اهمیت خاصی در انفساخ تعهد دارد.

ثانیاً- کسی که اجرا نشدن تعهد مستند به فعل اوست باید زبان ناشی از بدعهدی را جبران نماید. (عابدی، ۱۳۹۵)

در زمان اجرایی که، به نحو تعدد مطلوب است، اگر تعهد در موعد تعیینی انجام شود، ایفای تعهد صورت می‌گیرد. اما اگر تعهد در زمان مقرر انجام نگردد، موجب از بین رفتن اصل تعهد نمی‌شود. ضمن آن که نتیجه آن تنها مطالبه خسارت نیست، بلکه متعهدله حق دارد قرارداد را فسخ نماید، خواه این حق به طور صریح در عقد شرط گردیده، یا به حکم عرف به منزله ذکر در عقد باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۰). از طرفی دیگر در این وضعیت متعهدله می‌تواند اجرای تعهد را نیز از متعهد بخواهد (شهیدی، ۱۳۹۳).

در مورد تعهد وحدت مطلوب می‌توان به مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ ق.م، و ضمانت اجرای عدم انجام

1. ARTICLE 1.7

(Good faith and fair dealing)

- Each party must act in accordance with good faith and fair dealing in international trade.
- (2) The parties may not exclude or limit this duty.

تعهدات به نحو تعدد مطلوب هم در مواد ۲۱۹ - ۲۲۲ ق. م، پیش بینی شده است. مثلاً ماده ۲۲۰ ق. م، درباره الزام متعهد به اجرای تعهد، و ماده ۲۲۱ قانون مزبور درباره اخذ خسارت است. در تعهدات پولی متعهدله باید اجرای تعهد را مطالبه نماید تا خسارت تأخیر در تأدیه به آن تعلق گیرد. (ماده ۵۲۲ ق. آ. د. م)

۲-۵- اصل ظرفیت تعهد

حقوقدانان بحث را به این مهم نیز سوق داده که در صورت تردید در اینکه زمان اجرای تعهد « وحدت مطلوب » یا « تعدد مطلوب » است چگونه می توان حل موضوع نمود؟
اول - برخی از حقوقدانان معتقدند، « تردید مورد این استصحاب از اقسام تردید در استعداد مقتضی است و با سپری شدن زمان مقرر برای انجام تعهد، نسبت به اجرای موضوع قرارداد الزامی وجود ندارد ». (شهیدی، ۱۳۹۳)

برخی معتقدند؛ اگر پس از «انقضای زمان مقرر» تعهد استعداد و قابلیت بقاء را داشت، متعهدله فقط حق مطالبه «خسارت عدم انجام تعهد» را دارد و نمی تواند « الزام متعهد به انجام تعهد و خسارت تأخیر در انجام» را خواستار گردد.

دوم - غالب حقوقدانان (امامی، ۱۳۶۹)، بر این نظرند که در صورت تردید و یا عدم وجود اوضاع و احوال و قرائن ظاهر آن است که تعهد مزبور از قسم تعهد « تعدد مطلوب » است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

به نظر می رسد می بایست به اصل لزوم و صحت قراردادها با دیده احترام نگریست، نباید به اصل لزوم و صحت قراردادها و تعهدات (مواد ۱۸۵ و ۲۱۹ ق. م) خدشه وارد کرد.

مواد ۳۴ و ۳۵ لایحه مذکور، درباره نقض اساسی اجرای تعهد است. در نهایت با چنین معیاری، باید اساسی و غیر اساسی بودن تعهد نقض شده را سنجید. در اسناد بین المللی نیز نص صریح درباره زمان اجرا به نحو وحدت مطلوب و یا تعدد مطلوب وجود ندارد. ولی در فصل مربوط به عدم ایفاء تعهدات قراردادی و شیوه های جبران خسارت، معیار آن راه، اساسی یا غیر اساسی بودن تعهدات^۱ قرار دهند.

(ماده ۲۵ ک. ب. ب. ک، ماده ۱۰۳-۱۰۸. ج. ق. آ، ماده ۱-۳-۷. ق. ت. ب، ماده ۱۰۳-۸. ج. ق. آ و ماده ۵۰۲-۵۳ ط. ج. م. م). (کاتوزیان، ۱۳۹۲)

1. Fundamental Non- performance
2. Un convention on contracts for the international sale of Goods (1980), article 25
3. The non- performance is international
4. UNIDROIT principled of international commercial contracts 2010 art. 7, 3, 10
5. Draft common frame of Reference. Art. 3-502.

۳- آثار زمان اجرای قابل احراز از اصل تعهد

قسمت دوم سؤال این است که؛ عدم تعیین زمان اجرای تعهد چه تأثیری بر تعهد دارد؟ موضوع فوق در دو قسمت تبیین می‌شود: احراز زمان اجرا با احراز اصالت تعهد و احراز زمان اجرا با تفسیر تعهد

۳-۱- احراز زمان اجرا با احراز اصالت تعهد

از انواع زمانهای نامعین، مجهول، نامعلوم، مردد و... ماندن زمان اجرا در تعهد است. ذیلاً به آن می‌پردازیم.

۳-۱-۱- زمان مجهول

ممکن است در تعهدی زمان اجرا مجهول باشد و متعاقدین زمانی را برای اجرای تعهد به صراحت در نظر نگرفته و زمان اجرا مبهم، مردد و نامعین است و سبب سرایت جهل به عوضین شود و تعهد را باطل نماید.

البته اگر در وجود زمان اجرا تردید شود، اصل بر وجود زمان است (مستنبط از مواد ۳۴۴ و ۴۹۰ ق.م.ا). زیرا، در صورت مسکوت ماندن زمان اجراء، اصل بر اجرای فوری - عرفی تعهد است. با این بیان که؛

۱- بعضی از فقها معتقدند؛ درباره احتمال فزونی و نقصان در زمان اجراء، وضع یکسان است، مثلاً زمان اجرای عقد را مقید به زمانی کنند که مشترک میان دو وقت است. لذا عقد باطل خواهد بود.

برخی معتقدند که نمی‌توان تنها به ذکر مؤجل بودن یک تعهد یا حق اشاره کرد و مدتی برای آن در قرارداد تعیین نکرد (شهیدثانی، ۱۳۹۸). لذا مدتی غیر قابل تشخیص به نحوی که قابل مشخص کردن نباشد در حکم عدم تعیین مدت است (علامه حلی، ۱۴۱۳ ه.ق). در صورت مردد بودن هم به همین صورت است مثلاً یکی از دو سال (شهیدثانی، ۱۳۹۸).

ورود حاجی‌ها و یا مانند اینکه به تو می‌فروشم به شرط اینکه خیار داشته باشم، در نتیجه باطل بودن آن مساوی هستند. (انصاری، ۱۳۹۲)

علت اینکه فقها زمان اجرای مجهول را باطل و مبطل عقد می‌دانند، غرر است. حال آنکه روایت «نهی النبی عن بیع الغرر» یا «نهی النبی عن الغرر» از لحاظ سند ضعیف است و دلیل بر تعمیم آن به تعهدات فرعی و شروط ضمن عقد وجود ندارد و در مفهوم غرر ابهام وجود دارد. (علیدوست، ۱۳۹۱)

امروزه بعضی غرر را عرفی می‌دانند. چرا که؛ عرف زمان حاضر متفاوت از عرف سایر ازمنه است، مثل؛ مراجعه به رستوران و تعمیر اتومبیل با ثمن نامعلوم. فلذا با توجه به تعریف غرر و به

لحاظ عرف، هر قراردادی بتواند براساس خواست مشترک طرف‌های آن اجرا شود به اندازه کافی معین است. (شعاریان، ۱۳۹۱)

در حالیکه، اولاً در صدر اسلام ورود حاجیان به دلیل زمان طولانی مسافت قطعی نبود، اما در حال حاضر قطعی است، ضمن اینکه در هر صورت در تمامی آجال حداقلی از غرر ممکن است موجود باشد.

ثانیاً مدت اجرای عقد سلم را به کوبیدن گندم یا درو کردن قرار دهند و یا اجرای عقد به موقع کوبیدن گندم و یا درو و یا چیدن میوه، طبق عرف مشخص است.

۲- حقوقدانان هم به تاسی از نظر فقها، تلاش کرده تا در موارد فوق عقد را باطل فرض کنند و اغلب به بند ۲ ماده ۲۳۳ و ماده ۴۰۱ ق.م. استناد می‌کنند.

اتکاء بر مجهول مستلزم غرر است یا تعیین قیمت با اختیار فلان شخص مجهول است، مگر اینکه زیاد متغیر نباشد (مسیح ملکی، ۱۳۹۴)، با استناد ماده ۴۰۱ ق.م، در صورت مجهول ماندن زمان اجراء، طرف دیگر عقد نمی‌داند تا چه اندازه باید به التزام طرف خود اعتماد کند، چه بسا در صورت احساس ضرر قرارداد را فسخ کند (انصاری پور و همکاران، ۱۳۹۴).

بعضی هم معتقدند که، خواه، مدتی تعیین نکرده یا مدتی نامشخص فرض شود. مانند اینکه با سفر رفتن یکی از طرفین، عقد اجرا شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷). به ویژه اگر فاصله زمانی طولانی باشد، باعث مجهول شدن مقدار ثمن به عنوان یکی از عوضین می‌گردد (بزرگمهر، ۱۳۹۶). این وضعیت را اصطلاحاً «تورم» گویند. (شهیدی، ۱۳۹۳)

بعضی از حقوق دانان عقیده دارند بطلان معامله و غرری بودن آن به احادیث مربوط می‌شود. لذا در این صورت جهل به زمان، نمی‌تواند سرایت به ارزش مورد معامله و سب بطلان عقد شود، بلکه در صورت توجه ضرر به یکی از طرفین، حق فسخ بر مبنای خیار غبن با جمع سایر شرایط برای طرف معامله به وجود می‌آید (شهیدی، ۱۳۹۳) نه بطلان عقد (امامی، ۱۳۶۹).

حال آنکه؛ جهل به ارزش معامله همواره باعث فسخ معامله نیست، از سوی دیگر ماده ۴۰۱ قانون مدنی در این خصوص تأثیری ندارد. مهمتر از همه موارد اینکه خیار غبن وفق ماده ۴۱۶ ق.م.

۲- عده‌ای دیگر مطابق ماده مذکور به باطل بودن شرط و عقد نظر دارند. (کاتوزیان، ۱۳۹۲)

۳- بعضی دیگر هم معتقدند اگر هر زمان متعهد خواست تعهد را اجرا کند، این یک شرط تعلیقی می‌باشد. به این صورت که وجود تعهد به تحقق معلق علیه منوط شده است. لذا اگر شرط

۱. ماده ۴۱۶ قانون مدنی: هر یک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد بعد از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند.

واقع شود تعهد موجود می‌گردد؛ این تعهد به مرحله وجود کامل نخواهد رسید. (عابدی، ۱۳۹۵)

۳- آنچه در اسناد بین‌المللی اهمیت دارد تفسیر قرارداد (حبیبی، ۱۳۹۶) است. لذا، امور ذیل از مواردی هستند که در رسیدگی‌ها و حل و فصل اختلافات بین‌الملل اهمیت می‌یابد.

قسمت دوم بند الف ماده ۱-۶-۱. ق. ت. ب، در آنجا که مقرر می‌دارد: «... یا بر اساس قرارداد قابل تعیین باشد»، یعنی زمان مشخصی برای اجرای تعهد مشخص نشده و یا زمان اجرا مبهم است. در چنین اوضاع و احوالی، شروط و تعهدات ضمنی و تلویحی، قطع نظر از اینکه منشأ آن اراده طرفین، حکم قانون یا عرف اعم از عام و خاص باشد برای تعیین زمان اجرای قرارداد تأثیرگذار است (حبیبی، ۱۳۹۶).

از آنجا که این موضوع در بخش سوم و با موضوع زمان قابل احراز از تفسیر تعهد بررسی قرار داده و به تفسیر زمان مجهول هم مربوط است در اینجا به همین میزان اکتفا می‌شود.

۳-۱-۲- اثر زمان اجرای نامعلوم بر تعهد

یکی دیگر از حالات زمان اجرا، نامعلوم بودن آن در تعهد است. در زمان اجرای تعهد، حلول اجل باید معلوم باشد و اینکه زمان اجرا مشخص نیست، سبب اختلاف شده است. البته در زمان نامعلوم، شکی در تحقق این زمان در آینده وجود ندارد. به عبارت دیگر عدم قطعیت نسبت به زمان مشخص برای اجرای تعهد، باعث نامعلوم شدن زمان اجرا می‌گردد (عابدی، ۱۳۹۵).

مثال برای اجل نامعلوم «مرگ» است. تعهد مقتضی بر اجرای تعهد در هنگام مرگ و یا بازگشت قافله حجاج از خانه خدا، بر حسب عادت تحقق پیدا می‌کند (احمد سنه‌وری، ۱۳۸۸).

پس نباید نامعلوم باشند.

حال اگر زمان اجرای تعهد به مدتی که متعاقبین تا آن زمان زنده نمی‌مانند (مثل صد و پنجاه سال) شود، از یک طرف این زمان موجب خروج ثمن از انتفاع می‌شود و از سوی دیگر اجل با موت مشروط حال می‌شود (ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی و ماده ۴۲۱ قانون تجارت)، لذا شرط زمان به این نحو لغو می‌باشد. ضمن این که این نحو اجل مخالف با شرع و سنت است. چرا که مفهوم شرط این است که اجل حال نشود و بعد از فوت مدیون باقی بماند (بند ۲ ماده ۲۳۳ ق.م). از سوی دیگر موجب غرر می‌گردد. مانند زمان فرا رسیدن میوه‌ها و چیدن آن (قاسم زاده، ۱۳۹۶).

برخی اعتقاد دارند که چه در مورد ارکان اساسی و چه در مورد شروط ضمن عقد، ضمانت اجرای عدم رعایت شرط در ماده ۲۳۳ ق.م. در عقود مغایه ای، همواره موجب جهل به عوضین و باطل و مبطل عقد است. (رهامی، ۱۳۹۲)

در بیمه عمر زمان فوت بیمه گذار مشخص نیست اما قرارداد بیمه عمر صحیح است (ماده

۲۳۱ قانون امور حسبی^۱). همانگونه که علم اجمالی به مورد معامله، در ضمان، جعاله، صلح و عقود رایگان چنین است. (طالب احمدی، ۱۳۹۲)

در اسناد بین المللی در صورت، نامعلوم بودن زمان اجراء، یا در اختیار یکی از طرفین عقد بودن زمان اجراء، مطابق مهمترین اصل، پذیرش « شرط ادغام » یا « تفسیر مطابق قصد مشترک » است. اصول قراردادهای تجاری بین المللی در مواد ۱۷-۱-۲، ۴-۱، ۴-۲، ۴-۳، ۴-۴ و اصول حقوق قرارداد اروپا، در موارد ۲-۱۰۵، ۲-۱۰۲ تا ۵-۱۰۶ و ماده ۸ کنوانسیون و نیز در طرح چارچوب مشترک مرجع بر همین اساس استوار است^۲. از نظر عرفی منظور از تحویل کالا در ظرف مدت معقول بعد از انعقاد قرارداد (بند ج ماده ۳۳ ک. ب. ب. ک)، اجرای قرارداد در مدت زمان متعارف (بند ۳ ماده ۱۰۲-۱۷. ح. ق. آ) و در طی زمانی بعد از انعقاد قرارداد (بند ج ماده ۱-۱-۱۶. ق. ت. ب.) بستگی به اوضاع و احوال هر مورد دارد، حتی شامل زمان نامشخص برای تحویل کالا نیز میشود. (داراب پور، ۱۳۹۱)

۳-۱-۳- اراده متعهد بر زمان اجرای تعهد و قاعده عندالاستطاعه

در این قاعده مبنی بر اینکه آیا تعیین مهر عندالاستطاعه صحیح است یا خیر؟ بحث فراوان شده است. اما دستورالعمل شماره ۱/۳۴/۵۳۹۵۸ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۰۷ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، مهر عندالاستطاعه را در کنار مهر عندالمطالبه صحیح دانسته است و به همین خاطر امروزه در سند رسمی نکاح دیده می شود. منظور این است هر زمان متعهد استطاعت و تمکن داشت، مهر یا دین خود را به زوجه پرداخت کند.

شاید بنظر آید، با توجه به این که زمان استطاعت زوج مشخص نیست یا مجهول می باشد تعهد باطل باشد. لیکن اصل صحت بیانگر آن است در صورت ابهام در تعهد به ویژه زمان اجراء (ماده ۲۳۳ ق. م)، باید تعهد به طریقی تفسیر شود که آثار کامل تری بر آن بار شود. لذا شرط نفوذ حقوقی ندارد و دین را باید حال شمرد و دادگاه می تواند با توجه به وضع مالی مدیون و یا اختیار حاصل از مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ ق. م، به او مهلت یا قرار اقساط دهد و اعمال اجرایی را به تأخیر اندازد. (کاتوزیان، ۱۳۹۱)

چنانچه مردی به خانمی بگوید، خانه ام را به تو فروختم به این شرط که با من نکاح نمایی. بر فرض قبول این پیشنهاد توسط طرف، تملک زمانی محقق می شود که نکاح نیز بین آن دو

۱. ماده ۲۳۱ ق. ا. ح: « دیون مؤجل متوفی بعد از فوت حال می شود ».

۲. احراز زمان اجرای تعهد از طریق تفسیر تعهد در ادامه بحث و بررسی قرار گرفته است.

3. cArtile 7:102: A party has to affect is Performance:

واقع گردد. در این صورت عقد واقع شده و متعهد نیز در زمان تعیینی باید تعهد خود را اجرا نماید. (کاتوزیان، ۱۳۹۲)

معلق کردن شرط به اراده متعهد، مصداق بارز همان وعده ای است که فوقاً بیان گردید یعنی غیر از ایجاب و قبول در عقد ازدواج، نیاز به ایجاب و قبول دیگری در آینده نامعلوم دارد. بخاطر عدم تشکیل ارکان عقد دوم و فقدان اراده جازم، در خصوص عقد معلق صحیح نیست. قطع نظر از اینکه ملک هم مشخص نیست، در حالی که باید معلوم باشد. در این حالت عقدی انشاء نمی شود، آنچه انشاء می شود قول و وعده انشای عقد در آینده و در صورت حلول معلق علیه است. قانون مدنی در این باره ساکت است، ولی بند ۷ ماده ۲۳ لایحه تجارت مصوب فروردین ۱۳۹۷ مقرر می دارد: « شرطی که تعهد طرف مقابل را قطعی کند، اما انجام تعهد از سوی صاحب حرفه را منوط به شرط تعلیقی نماید که تحقق آن منوط به اراده خود او است». در این صورت شرط موصوف باطل و کأن لم یکن است و با نظم عمومی نیز میبایست دارد. نهایت اینکه شرط باطل و عقد صحیح خواهد بود. (شهیدی، ۱۳۹۴)

۳-۱-۴- آثار تفویض اختیار زمان اجرای تعهد به متعهد در حقوق تطبیقی

یکی دیگر از حالات و انواع زمان اجراء، تفویض آن به متعهد است. نص صریحی درباره تفویض اختیار زمان اجرای تعهد به متعهد در قانون مدنی وجود ندارد، یعنی هر زمان متعهد خواست تعهد را اجرا نماید.

البته از مفهوم مخالف بند ۲ ماده ۲۳۳ ق. م، چنین برمی آید که اگر جهل شرط به عوضین سرایت نکند عقد باطل نیست. در عقود جایز نیاز به تعیین زمان نیست، به نوعی تفویض اختیار زمان اجرا به متعهد است (ماده ۶۷۹ ق. م).

درباره تنصیف دارایی مرد در حین طلاق زن که عده‌ای شرط را باطل و مبطل عقد می‌دانند (صفایی، ۱۳۶۷). اما نباید چنین باشد، چراکه با توجه به مشخص شدن میزان دارایی در زمان وقوع طلاق و همچنین عدم سرایت جهل به عوضین، معامله به واسطه غیر معوض بودن، مطابق مواد ۱۰ و ۱۱۰ ق. م، صحیح است.

ماده ۴۱ ق. م، درباره حق عمری که به موجب عقدی از سوی مالک برای شخصی به مدت

۱. رأی وحدت رویه شماره ۱۳۹۸/۵/۱۵۰۷۷۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: « با توجه به تأکید قانونگذار در صدر ماده ۳۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۹۱/۱۲/۱ بر شرط ضمن عقد نکاح و مندرجات سند ازدواج، ضمن شرط تنصیف دارایی که ضمن عقد نکاح مقرر شده با اجرت المثل کارهای انجام گرفته توسط زوجه موضوع تبصره الحاقی به ماده ۳۳۶ قانون مدنی (با نخله بدل از آن) تنافی و تعارضی ندارد. بنابراین تعیین اجرت المثل کارهای زوجه از سوی دادگاه او را از حقوق استحقاقی ناشی از شرط تنصیف دارایی محروم نمی سازد... ».

عمر منتفع ایجاد می‌شود، به رغم نامعلوم بودن زمان تحقق آن مطابق قانون مدنی صحیح تلقی می‌شود.

در کنوانسیون وین، نصی درباره تفویض اختیار زمان اجرای تعهد به متعهد وجود ندارد، اما بند ب ماده ۳۳ کنوانسیون تصریح دارد: « مگر اینکه اوضاع و احوال حاکی از این باشد که تعیین تاریخ مشخص در خلال مدت مزبور با مشتری است» و به اجرای تعهد توسط مشتری در بازه زمانی اشاره دارد.

شبهه همین ماده، بند ۳ ماده ۱۰۲-۱۷. ح. ق. ا، نیز به اجرای قرارداد تأکید دارد. مطابق ماده ۱-۱-۶. ق. ت. ب،^۱ متعهد باید تعهد را در مدت زمان متعارف اجرا نماید. نتیجه اینکه تفویض اختیار زمان اجرای تعهد به متعهد را باید « اجل » فرض کرده، شرط و یا خیار شرط مصرحه در ماده ۴۰۱ ق. م، محسوب نمی‌شود.

۳-۱-۵- تفویض اختیار زمان اجرا به متعهدله در حقوق تطبیقی

هر چند در حقوق کشورمان مقررہ ای در این خصوص وجود ندارد ولی امید است این مشکل را بتوان با تأیید نهایی لایحه تجارت - قراردادهای تجاری مصوب ۱۳۹۷ توسط شورای نگهبان رفع کرد. چرا که لایحه تجارت فوق دو ماده ۱۰^۲ و ۱۱ را در این باره به خود اختصاص داده و شباهت تام و کامل با اسناد تجاری بین الملل مخصوصاً اصول حقوق قرارداد اروپا و اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی دارد.

بند ۶ ماده ۳۰۳-۱۳. ح. ق. ا،^۳ این چنین مقرر می‌دارد: « در این ماده اخطاریه شامل ابلاغ یک تعهد، اظهار یا بیانیه، ایجاب، قبول، مطالبه درخواست یا دیگر اظهارات می‌شود». در قانون مدنی تنها ماده مورد بحث در این رابطه قسمت آخر ماده ۲۲۶ قانون مذکور است و مقرر می‌دارد: «... اگر برای ایفاء تعهد مدتی مقرر نبوده طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام تعهد با او بوده و ثابت نمایند که انجام تعهد را مطالبه کرده است». قید «مطالبه» معادل دادن اخطار در اسناد بین الملل است. مصداق آن را هم در مهر عندالمطالبه

۱. حتی در متن انگلیسی بندهای ج اصول اسناد بین المللی مشابه هم هستند و فقط با طرح چارچوب مشترک مرجع فرق دارند.

۲. ماده ۱۰ لایحه تجارت مصوب ۱۳۹۷: « کلیه اخطارهای مقرر شده در مواد این قانون متناسب با وسایل ارتباطی در دسترس با توجه به اوضاع و احوال قابل انجام است. تبصره - مقصود از اخطار هر بیانیه، تقاضا، درخواست یا ابراز قصد دیگر است».

3. In this Article, "notice" includes the communication of a promise, statement, offer, acceptance, demand, request or other declaration. .

می‌توان دید.^۱

در آیین دادرسی مدنی هم مواد ۱۵۶^۲ و ۱۵۷^۳ بر «ارسال اظهارنامه» دلالت بر مطالبه حق و تسلیم چیزی یا وجه یا مال یا سندی از طرف اظهار کننده به مخاطب است. طبق جزء (ب) از بند (۲) ماده ۱۰۵-۱۷.ح.ق.ا، طرفی که موظف به تعیین شیوه اجرای جایگزین قرارداد است، قصور نماید، طرف دیگر می‌تواند، خطاریه ای به وی بدهد تا در مدت زمان اضافی اجرای جایگزین را انتخاب کند، اگر باز هم قصور ورزد حق انتخاب به طرف دیگر واگذار می‌شود. مطابق جزء (الف) بند ۳ ماده ۳۰۳-۱۹.ح.ق.ا، اگر تعهد با تأخیر اجرا شود، حق طرف دیگر برای فسخ قرارداد از بین می‌رود، مشروط بر اینکه خطاریه ای را در مدت زمان متعارف پس از اینکه از اجرا آگاه شود یا بایستی آگاه می‌شد، ندهد. (سنیور، ۱۳۹۳)

۳-۱-۶- رویه قضایی

مجهول ماندن زمان اجرا از دیدگاه فقها، حقوقدانان، همچنین تطبیق با قانون مدنی و اسناد بین الملل بررسی و تطبیق قرار گرفت، حال باید دید رویه قضایی چگونه با این مسائل برخورد داشته است:

۱- در مورد انتقال پلاک ثبتی از تاریخ ۶۹/۷/۹ تا پایان ۷۰/۱/۲۰ توسط دادرس دادگاه بدوی چنین استدلال شده بود، از آنجا که کلمه داده شود مربوط به زمان آینده است و به صورت فعل ماضی نیامده، پس معامله صحیح نیست و از موارد ماده ۴۰۱ ق.م. در نتیجه باطل و مبطل عقد است.

اما شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور به شماره دادنامه ۹۵-۷۲/۲/۱۵ با استدلال مخالف؛ با توجه به سیاق کلمات مندرج در قرارداد از قبیل فروشنده و خریدار، میبع، بهای آن و سیاق عبارات مستنبط از این است که منظور و قصد طرفین بیع به مصطلح ماده ۳۳۸ قانون مدنی است و مشمول ماده ۴۰۱ قانون مدنی نمی‌باشد.

۲- رأی اصراری هیات عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۱۴۰۰-۴۴/۸/۱۵ به طور خلاصه این است که متعارف و معقول نیست شرکتی انجام عملی را تعهد کند و قیمت یا اجرت

۱. ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، نیز تعلق خسارت تأخیر در تأدیه دین از تاریخ مطالبه یا همان تاریخ اظهارنامه یا تقدیم دادخواست است و مربوط به امور غیر دینی نیست.

۲. ماده ۱۵۶ ق.آ.د.م: «هر کس می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست، حق خود را به وسیله اظهارنامه از دیگری مطالبه نماید...».

۳. ماده ۱۵۷ ق.آ.د.م: «در صورتی که اظهارنامه مشعر بر تسلیم چیزی یا وجه یا مال یا سندی از طرف اظهارکننده به مخاطب باشد باید آن چیز یا وجه یا مال یا سند هنگام تسلیم اظهارنامه به مرجع ابلاغ، تحت نظر و حفاظت آن مرجع قرار گیرد...».

آن را هم دریافت نماید اما هر وقت مایل باشد آن عمل را انجام دهد، هر چند سالیان دراز از زمان گرفتن اجرت یا قیمت بگذرد.

رأی موصوف بنا را بر « احراز قصد واقعی متعاملین » قرار داده است. بنابراین، اگر احراز شود متعاقدين وقوع قرارداد را « قصد » کرده و از اوضاع و احوال هم این مهم معلوم شود، دیگر بحث مجهول بودن زمان اجرا محلی از اعراب نخواهد داشت.

۳- در نشست قضایی ۸۱/۹/۱ شهر یزد، درباره وضعیت معامله در صورتی که بخشی از ثمن به آینده موکول گردد، اکثریت قضات با توجه به نظر دکتر امامی و کاتوزیان و ماده ۲۳۳ ق.م. چنین شرط و معامله‌ای را باطل فرض کردند.

اما نظر اقلیت حاکی از آن است که چنین شرطی باعث جهل به عوضین نمی‌شود، چرا که هنگام انعقاد عقد هم مبیع و هم ثمن مشخص است.

نظر هیئت عالی نشست قضایی ۴: به استناد ماده ۳۶۲ ق.م.، بیع انجام یافته، نقل و انتقال صورت گرفته و هرگاه بخشی از ثمن موکول به توافق آتی شود، شرط تعجیلی احراز نمی‌شود و فروشنده هر آینه حق مطالبه باقیمانده ثمن را دارد.

نتیجه اینکه درست است که پرداخت بخشی از ثمن به آینده موکول شده، اما زمان آن معلوم و مشخص نیست و مجهول به نظر می‌رسد، اما چون از ارکان اساسی عقد نیست و ارکان عقد همانا اجرای نقل و انتقال است، بنابراین با نبودن قرینه یا دلیلی بر تعجیل، اجرای فوری - عرفی عقد اولی می‌باشد.

۳-۲- آثار زمان اجرای قابل احراز از تعهد با تفسیر آن

در اسناد بین‌المللی اولین ضابطه مطابق اصول اسناد بین‌المللی، تفسیر بر اساس معیارهای شخصی «نظریه اراده باطنی» است. اما عده دیگری از حقوقدانان گرایش به تفسیر بر اساس معیارهای نوعی «نظریه اراده ظاهری» بر این باورند؛ اساس تفسیر قرارداد فی الواقع، فرهنگ، تمدن، اخلاق و مصالح اجتماعی است (کاتوزیان، ۱۳۸۴). به همین خاطر در تفسیر قرارداد، اراده ظاهری یعنی معنی متعارف الفاظ، باید در نظر گرفته شود (صفایی، ۱۳۹۲). در اسناد بین‌المللی هم، هر دو معیار مورد توجه قرار گرفته است: بند ۱ ماده ۸ ک. ب. ب. ک، درباره « تفسیر مطابق قصد طرف دیگر»^۱ و اما شقوق ۲ و ۳ آن درباره « تفسیر مطابق اراده ظاهری یا تفسیر نوعی»^۲ است. هر دو نوع تفسیر «معیار مختلط»^۳ را تشکیل می‌دهد.

1.. Interpretation as intended by the parties

2. Negotiations, any practices which the parties have established between themselves, usages and any subsequent conduct of the parties

3. Objective. Criteria

در هنگام بروز اختلاف در تفسیر تعهد، تنها با معیارهای نوعی می‌توان به قصد مفروض مشترک طرفین نایل شد. زیرا، قصد واقعی طرفین امر درونی و تقریباً غیر قابل احراز است، مگر اینکه احد از متعاقدين به آن اقرار نماید. در عین حالی که به سیاست تفسیری، قضایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه سیاست تجاری بین المللی بیشتر فکر می‌کنند. (عابدی، ۱۳۹۵)

در عقیده سنتی پذیرفته شده، قاضی جاهلی است که در میان دو عالم قرار دارد. اما امروزه حقوقدانان عقیده دارند (کاتوزیان، ۱۳۹۱)؛ قاضی جاهلی است که در میان دو جاهل قرار دارد. به همین خاطر پی بردن به قصد واقعی آنان امکان ندارد. لذا حقوقدانان، هر چند اصل را بر «احراز اراده درونی» و یا مدار تفسیر قرارداد را اراده درونی (شهیدی، ۱۳۹۳)، حتی بعضی صراحتاً آن را پذیرفته اند، اما باید اذعان کرد، ابزارهای کشف اراده باطنی دارای معیارهای نوعی هستند. اگر قصد واقعی طرفین غیر از آن چیزی است که بیان کرده اند، اراده واقعی مرجح خواهد بود، اما این نظر، با نظم عمومی، اخلاق و قانون محدود می‌شود. همانگونه که تفسیر قرآن و قانون مبتنی بر کشف مقصود واقعی می‌باشد (شعاریان، ۱۳۹۳).

در تجارت بین المللی، « قصد و اراده واقعی » دارای ایراد اساسی است. لیکن تفسیر بر مبنای معیارهای نوعی است که در صورت سرگردانی و بلا تکلیفی به کمک دادرسی و مراجع داوری می‌آید و با ابزارهای تفسیر قرارداد، قضاوت معموله بر طرفین تحمیل می‌شود. پس تفسیر قرارداد با ابزارهای نوعی بر تعهد تأثیر می‌گذارد و از ابطال آن جلوگیری می‌کند. در اسناد بین المللی، قاعده عدم پذیرش ادله شفاهی و غیر مکتوب یا *parol evidence* که به قاعده «تأسیل متن» یا «ابتناء بر اصالت متن» نام دارد، موجب نادیده گرفتن قصد واقعی متعاقدين شده تا اینکه به مرور با استثنائات زیادی مواجه گردیده است. من جمله در قراردادهای شفاهی و تبعی محملی ندارد، به عبارت دیگر قاعده *parol evidence* نباید سبب نادیده گرفتن شروط و تعهدات ضمنی و عرف شود. همین استثنائات باعث گردیده تا بوسیله قاعده دیگر به عنوان «شرط ادغام» اصل حاکمیت اراده پذیرفته شود. النهایه بخشی از پاسخ سؤال این است که در اسناد بین المللی عدم تعیین زمان اجرا یا مجهول بودن آن، تعهد صحیح است ولو زمان اجرای تعهد مجهول، نامعلوم و مردد باشد. تأثیر اوضاع و احوال (ماده ۱۰۲-۵. ا. ح. ق. ا. PECL) که همان امارات قانونی و قضایی می‌باشد به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل امری شناخته شده و از طریق اوضاع و احوال نسبت به امر مجهول قطع و یقین حاصل می‌شود. (شعاریان، ۱۳۹۳)

در صورت لزوم، ابزارهای تفسیر اراده ظاهری بر اراده باطنی در حین اجرای تعهد رجحان دارند. از جمله الفاظ، قرائن، رویه عملی یا عملکرد متعاقدين، مقررات قانونی، عرف اعم از خاص و عام، نقش پنهانی انصاف، شروط چاپی و مرسوم در مباحثه نامه‌ها، شرایط محیط، (اراده ظاهری در مواد ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵ ق. م و اراده باطنی در مواد ۱۹۰، ۱۹۶، ۴۶۳ و

۱۱۴۹ ق. م) هستند که اثر آن بر تعهد، منفسخ شدن عقد است. نظریه اراده خارجی^۱ با استفاده از نظریه اراده باطنی^۲ کامل می‌شود. اراده خارجی هم بدین طریق بازسازی می‌گردد. (احمد سنهوری، ۱۳۸۸)

امروزه بین «تئوری قصد» و «تئوری عبارات» تعارضی وجود ندارد. قاعده Estoppel «استاپل» دلالت دارد؛ انکار بعد از اثبات موضوع در ظاهر معنا ندارد و یا نمی‌توان معنای قرارداد را یکی از طرفین به نفع خود سوق دهد در حالی که طرف او مثلاً متعهد معنای دیگری از تعهد فهمیده و متعهدله تا پایان اجرای تعهد اظهاری نکرده باشد (درشق «ب» ۲ ماده ۱۶ کنوانسیون).



-
1. Volont externe declaration volonte.
 2. Volont interence.

نتیجه گیری

بطور معمول وفق ماده ۳۴۴ ق.م. زمان اجرا در تعهد بطور صریح و یا ضمنی وجود دارد. در این صورت تعهد در زمان تعیینی اجرا می شود و تأثیر آن بر تعهد این است که حیات تعهد پایان می یابد. در اجرای تعهد متقارن به رغم برخورداری هر طرف از حق حبس با استنباط از ماده ۳۷۷ ق. م. نهایت نیز هر طرف ملزم به اجرای تعهد می شود تا از ایجاد « دور » هم جلوگیری گردد. در اسناد بین المللی هم مطابق بند ۲ ماده ۳- ۱- ۷، ق، ت، ب چنین است.

تعلیق زمان اجرای تعهد، به اراده مدیون صحیح نیست. چرا که، ممکن است مدیون هیچگاه اراده تعیین زمان اجرا نکند و عقد منحل شود. لیکن تعلیق موقتی زمان اجرا در برخی از زمانهای اجرای تعهد، مثلاً در مانع موقتی در حقوق داخلی و اسناد بین الملل صحیح است.

اگر اجرای تعهد متعذر شود، در صورت « تعدد مطلوب »، متعهد بعد از رفع مانع ملزم به اجرای تعهد می شود. در صورت وحدت مطلوب از زمان تعذر، تعهد منفسخ می شود و ضمن حق فسخ، متعهدله حق الزام متعهد را نیز دارد. ولی در صورت دائمی بودن مانع، متعهد از اجرای تعهد معاف است. البته متعهد باید بخاطر غیرممکن شدن عدم اجرا به متعهدله اخطار کند والا مسئول خسارت وارده خواهد بود. در این باره نیز در حقوق داخلی مقرر شده ای وجود ندارد.

مبنای تعسر اجرای تعهد با « حسن نیت » و « معامله منصفانه » توجیه می شود. با این فایده که اگر این مبنا صحیح باشد، مبهم، مجهول، نامعلوم ماندن زمان اجرا تأثیری در بقاء و عدم بقاء تعهد ندارد و تأثیر آن بر تعهد در حد معین بودن زمان اجراست. در صورت تردید در اصل «وحدت مطلوب» (نقض اساسی) یا «تعدد مطلوب» (نقض غیر اساسی) اجرای تعهد، اصل اساسی بدو رجوع به عرف، والا، اصل، بقاء تعهد است.

برخلاف نظر حقوق دانان، یافته های پژوهش همسو با پاسخ به سؤالات و راست آزمایی قسمت دوم فرضیه پیرامون این مشکل صورت گرفت اینست که زمان اجرای تعهد، مالا زمان مجهول، مردد، نامعلوم، مبهم و نامتعارف نمی تواند مطابق بند ۲ ماده ۲۳۳ و ماده ۴۰۴ ق.م. تعهد را باطل نماید، مگر اینکه یا باعث فقدان قصد و عدم تشخیص موضوع تعهد (جهل به عوضین) شود و یا عامل بیرونی چون فورس مازور باعث انحلال تعهد گردد. مصداق بارز شرط مجهول این است که ۸۰ درصد از مبلغ تعیین ثمن به اختیار و اراده خریدار محول شود. در این صورت غرر (ریسک) وجود دارد. عدم ذکر مدت در این ماده اخیر هم مربوط به عقد متزلزل است نه زمان اجرای نامعین.

از سوی دیگر به کمک عوامل احراز زمان اجرا نیز یعنی، از طریق تفسیر تعهد، زمان اجرای تعهد معین و متعهد را به اجرای آن ملزم می شود. همانگونه که در اسناد بین الملل مورد بحث

چنین است. بدین طریق که، بدو « اراده باطنی » و در صورت یأس از آن « اراده ظاهری متعاقبین » به کمک ابزارهای تفسیر از مجموع قرارداد برای صدور رأی کفایت می کند. امروزه parol evidence بر mergor Clause ترجیح دارد که همان اراده باطنی مفروض است و بر طرفین تحمیل می شود. لیکن باید احراز گردد که طرفین « قصد حقیقت عقد » یا « قصد ملزم کردن خود » را داشته اند یا خیر. همین گونه که در « فاکتورینگ »، « فورفیتینگ » و « استاپل » مد نظر قرار می گیرد.

بنابراین روشن می شود که به دلیل حالات و تنوع زمان اجرا، نمی توان حکم یا قاعده کلی درباره تأثیر زمان اجرا بر تعهد در حقوق ایران و اسناد بین الملل ارائه کرد. بلکه باید بررسی شود که از میان تنوع زمانهای اجرا، کدام زمان اجرا بر تعهد منطبق است و تأثیر آن را هم با نوع خاص از زمان اجرا بر تعهد در نظر گرفت که ممکن است نتیجه آن، ابطال، فسخ، انفساخ، اعطاء مهلت اضافی، بقاء تعهد، با ضمانت اجراهای لازم باشد.



فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- امامی، سیدحسن. (۱۳۶۹) حقوق مدنی، ج ۳، تهران: کتابفروشی اسلامیه، چ سوم.
- ۲- انصاری، علی. (۱۳۹۱) تئوری حسن نیت در قراردادهای، تهران: انتشارات جنگل جاودانه، چ دوم.
- ۳- بزرگمهر، امیرعباس. (۱۳۹۶) شرح جامع حقوق تعهدات تطبیقی (دوره مدنی پیشرفته)، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه عدالت، چ اول.
- ۴- بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۸۳) کلیات عقود و قراردادهای، تهران: نشر میزان، چ دوم.
- ۵- تفسیری بر حقوق بیع بین المللی کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، نوشته هجده نفر از دانشمندان حقوق دانشگاه‌های معتبر جهان، (۱۳۹۱) ترجمه مهرداد داراب پور، چهار جلدی، تهران: انتشارات گنج دانش، چ دوم.
- ۶- حبیبی، محمود. (۱۳۹۶) تفسیر قراردادهای تجاری بین المللی، تهران: نشر میزان، چ سوم.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (بی تا) ترمینولوژی حقوق، چ دوم.
- ۸- خزاعی، حسین، (۱۳۹۲) حقوق تجارت بین الملل. جایگاه حقوق تجارت بین الملل و فروش بین المللی، ج پنجم، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، چ دوم.
- ۹- چشمی، داود، (۱۳۹۷) آموزش عملی و کاربردی قوانین قراردادهای مشارکت در ساخت، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل، چ اول.
- ۱۰- رستمی چلکاسری، عباداله. (۱۳۸۳) تعلیق قراردادهای پیمانکاری بین المللی و مقایسه آن با حقوق ایران، دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۱- رفیعی، محمدتقی. (۱۳۸۷) مطالعه تطبیقی غرر در معامله در حقوق اسلام، ایران و کنوانسیون بیع بین المللی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و پژوهشکده فقه و حقوق و بوستان (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چ اول.
- ۱۲- شهیدی، مهدی. (۱۳۹۴) تشکیل قراردادهای و تعهدات، ج اول، تهران: انتشارات مجد، چ یازدهم.
- ۱۳- _____ (۱۳۹۳)، آثار قراردادهای و تعهدات، ج سوم، تهران: انتشارات مجد، چ ششم.
- ۱۴- _____ (۱۳۹۳)، اصول قراردادهای و تعهدات، ج دوم، تهران: انتشارات مجد، چ ششم.
- ۱۵- _____ (۱۳۹۳)، سقوط تعهدات، ج پنجم، تهران: انتشارات مجد، چ نهم.
- ۱۶- شعاریان، ابراهیم و ترابی، ابراهیم. (۱۳۹۳) حقوق تعهدات (مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین المللی)، تهران: شهر دانش، چ اول.

- ۱۷- شعاریان، ابراهیم؛ رحیمی، فرشاد، (۱۳۹۳) حقوق بیع بین الملل، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای شهر دانش، چ اول.
- ۱۸- شعاریان، ابراهیم، (۱۳۹۱) « ثمن نامعین در قراردادهای پیش فروش و موانع حقوقی و فقهی »، مطالعات حقوقی معاصر، دوره ۳، شماره ۵.
- ۱۹- شعاریان، ابراهیم، ترابی ابراهیم، (۱۳۹۳) اصول قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)، تهران، مؤسسه شهر دانش.
- ۲۰- شنیور، قادر، (۱۳۹۳) قرارداد سفارش ساخت، تهران: انتشارات کتاب آوا، چ اول.
- ۲۱- طالب احمدی، حبیب، (۱۳۹۲) مسئولیت پیش قراردادی، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول،
- ۲۲- فخاری امیرحسین، تقریرات درس حقوق تجارت (بحث اسناد در کنوانسیون ژنو)، مقطع کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، سال تحصیلی ۸۴-۸۳.
- ۲۳- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰) قواعد عمومی قراردادها (آثار قرارداد)، ج سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ششم.
- ۲۴- _____ (۱۳۸۷) قواعد عمومی قراردادها (انحلال قرارداد)، ج پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ پنجم.
- ۲۵- _____ (۱۳۹۲) اعمال حقوقی (قرارداد - ایقاع)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ دوم.
- ۲۶- _____ (۱۳۹۱) حقوق مدنی (نظریه عمومی تعهدات)، تهران: نشر میزان، چ ششم.
- ۲۷- _____ (۱۳۸۷) قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ ۱۱.
- ۲۸- _____ (۱۳۹۰) قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- ۲۹- _____ « تفسیر قرارداد »، ۱۳۸۴، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷، دانشگاه تهران.
- ۳۰- صفایی، سیدحسین. (۱۳۸۷) دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، ج دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ ششم.
- ۳۱- _____ (۱۳۶۷) « شرط انتقال نصف دارایی زن در صورت اقدام شوهر به طلاق »، ماهنامه حقوق و اجتماع، سال اول، ش ۴.
- ۳۲- صفایی، حسین و دیگران، (۱۳۹۲) حقوق بیع بین المللی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۹۲
- ۳۳- صادقی مقدم، محمدحسن. (۱۳۹۰) تغییر در شرایط قرارداد، تهران: نشر میزان، چ سوم.
- ۳۴- طالب احمدی، حبیب. (۱۳۹۲) مسئولیت پیش قراردادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ اول.
- ۳۵- عابدی، محمد. (۱۳۹۵) اجل در تعهدات و قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ اول.
- ۳۶- قاسم زاده، سیدمرتضی. (۱۳۸۹) اصول قراردادها و تعهدات، تهران: مؤسسه انتشارات

دادگستر، چ چهاردهم.

۳۷- قاسم زاده، سیدمرتضی، (۱۳۹۶) تأثیر متقابل عقد و قبض و تسلیم، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول.

۳۸- معتمدی، جواد، (۱۳۹۸) روش تفسیر در حقوق تجارت، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول، ص ۱۴.

۳۹- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۲) قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ سوم.

۴۰- مؤسسه بین المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (یونیدروا)، (۱۳۹۳) اصول قراردادهای تجاری بین المللی ۲۰۱۰، مترجمین: بهروز اخلاقی و فرهاد امام، شهر دانش، چ سوم.

۴۱- نوری، محمدعلی. (۱۳۷۸) اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی، تهران: گنج دانش، چ اول.

۴۲- هجده نفر از دانشمندان حقوق دانشگاه های معتبر جهان، (۱۳۹۱) تفسیری بر حقوق بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین، ترجمه: مهرا ب داراب پور، گنج دانش.

۴۳- هینزی، جیمی. (۱۳۸۵) قراردادهای ساختمانی، ترجمه: محمدتقی بانکی، تهران: انتشارات اطلاعات، چ سوم.

۴۴- پور رمضان، آیدا. (۱۳۹۷) « تعلیق در شرط »، فصلنامه تخصصی حقوق، علم و وکالت، سال اول، شماره دوم.

۴۵- تلخابی، مجید. ناظمی، محمدحسین. (۱۳۹۵) « قاعده اقدام و جبران تورم »، دو فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فقه امامیه، سال چهارم، شماره ۶.

۴۶- خرسندیان محمدعلی. احمدی طالب. (۱۳۹۰) « ضمانت اجرای تعهدات قراردادی در حقوق ایران و DCFR، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، دانشگاه شیراز.

۴۷- خرسندیان محمدعلی. نصیری ریحانه. (۱۳۹۳) « اجرای زود هنگام تعهدات در فقه و حقوق ایران »، آموزه های مدنی، دانشگاه علوم رضوی.

۴۸- خسروی، مجتبی. بادینی حسن. (۱۳۹۶) « تعلیق تعهدات قراردادی به عنوان ضمانت اجرای نقض قرارداد در فقه و حقوق ایران، انگلیس و اسناد بین المللی »، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳.

۴۹- داراب، پور مهرا ب، (۱۳۹۱) تفسیری بر حقوق بیع بین المللی، کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، تهران: گنج دانش، چ اول.

۵۰- رهامی، محسن و پرویز، سیروس. (۱۳۹۲) « شرط مجهول »، پژوهشگاه علوم انسانی، مجله حقوقی دادگستری.

۵۱- علیدوست، ابوالقاسم. «قاعده نفی غرر در معاملات»، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۹، ۱۳۸۹.

۵۲- قنوتی، جلیل و رجبی، عبدالله. «بررسی ضرورت رفع ابهام از مفاد قرارداد»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال ششم، شماره ۲.

۵۳- مریدی، فرحسین. «ترجیح اراده درونی بر اراده ظاهری در تفسیر قراردادهای تجاری مبتنی بر توجیه اخلاقی»، ۱۳۷۹، پژوهش های اخلاقی، سال هشتم، شماره چهار.

۵۴- مسیح ملکی، جواد. «غرر و معاملات غرری»، مقالات داد راه، ۱۳۹۴، نشر مقالات حقوقی حق گستر.

۵۵- متین، احمد، مجموعه رویه قضایی (قسمت حقوقی ۱۱ تا ۳۰)، تهران، انتشارات رهام، چ اول، ۱۳۸۱.

۵۶- فرهنگ حقوقی فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی نهاد ریاست جمهوری (تهران، معاونت پژوهشی) تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، چ اول، ۱۳۸۳.

منابع عربی

۱- انصاری، مرتضی بن محمدامین. (۱۳۹۲) ترجمه و شرح مکاسب (خيارات)، توضیح و تعلیق: حضرت آیت اله پایانی، ج نهم، مترجم: محمدمسعود عباسی، انتشارات دارالعلم، چ سوم.

۲- احمد سنهوری، عبدالرزاق، (۱۳۸۸) دوره حقوق تعهدات (اوصاف تعهد - شرط - اجل - تعدد)، ج سوم، مترجمان: مهدی دادمرزی و محمدحسین دانش کیا. قم: انتشارات دانشگاه قم، چ اول.

۳- _____، (۱۳۹۴) دوره حقوق تعهدات (قواعد عمومی قراردادها)، ج اول، مترجمان: مهدی دادمرزی و محمدحسین دانش کیا. قم: انتشارات دانشگاه قم، چ سوم.

۴- شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، (۵۹۶۵ه) مسالک الافهام، ج ۵، قم: تحقیق و نشر مؤسسه المعارف الاسلامیه.

۵- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۹۸) شرح العمه، ۵۱۳-۵۱۶. قم: نشر دارالعلم، ج ۳، چ ۱۶.

۶- علامه، حلی، (۱۴۱۳ ه) مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم: دفتر انتشارات اسلامی مدرسین حوزه علمیه قم، چ دوم.

منابع انگلیسی

1. Bradyate Robert, Royer Browns word, and christain twigg. Flesner, the impact of Adopting

a Duty to tyade fairly, (2003) Report for the Department of trade and isdasty, consumer and competition policy Directovate.. p. 47. 48.

2.Honnold, john, uniform/ law for International sales the 1980 un

- conversion, (Kluwer, Deventer, Boston, ed 1991), at 369. powers, paulj. P. 6, and keily, Troy. P.3.
3. " Oxford Advanced learners dictionary " wehmeier, sally, sixth ed, New York, oxford university press, 2004.
 4. Honnold, john, Uniform law for international sales Under the 1980. International Sale law, 2nd Edition, Kluwer law International, 1999.
 5. CLSG: UN Convention Contracts for the International Sale of Goods.
 6. DCFR: Draft Common Frame of Reference.
 7. PECL: Principles of European Contract Law.
 8. UPICC: UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts.
 9. Tyade fairly, Report for the Department of trade and isdasty, consumer and competition policy Directovate. 2003. p. 47. 48

۱- شرایط عمومی پیمان

۲- قانون آئین دادرسی مدنی

۳- قانون مدنی

۴- قانون تجارت

۵- قانون داوری تجاری بین المللی

۶- قانون کار

۷- اصول قرارداد تجاری بین المللی

۸- اصول حقوق قرارداد اروپا

۹- کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین

۱۰- قانون مدنی اروپا (طرح چارچوب مشترک مرجع)

۱۱- لایحه تجارت - قراردادهای تجارتهی.

